

ساواک و قتل تیمور بختیار

تیمور بختیار فرزند فتحعلی در سال ۱۲۹۳ هـ. ش در اصفهان بدنیا آمد. پس از گذراندن مراحل اولیه تحصیلی، به دانشگاه نظام راه پیدا کرد و با درجه ستوان دومی مشغول به خدمت در ارتش گردید. عوامل چندی موجب شد که این خاندان بختیاری سیر مدارج ترقی را در ارتش طی نماید و در نهایت به ریاست سازمان ساواک نائل گردد. در عللی که منجر به طی مدارجی عالی در مدت زمانی کوتاه توسط وی انجام گرفت، دو علت اصلی را می‌توان کاملاً به صورتی بارز مشاهده کرد: ۱- خصوصیت شخصیتی بختیار ۲- تحولات زمانه و نیاز شاه به شخصیت بختیار

روحیه بی‌باکی و تهوری که بختیار در وجودش نهفته بود، از وی فردی توانا ساخته بود که این توانایی را در جنگ با فرقه تجزیه طلب آذربایجان و یا کودتای آمریکایی سال ۱۳۳۲ و بعد از آن که قلع و قمع توده ایها و بهائیان بود، به عینه می‌توان مشاهده کرد.

از طرفی بی‌ثباتی جامعه ایران، این باور را به ذهن محمد رضا در دهه های ۲۰ و ۳۰ بوجود آورده بود که مشیت آهنین بختیار می‌تواند پشتوانه خوبی برای حکومت و سلطنتش باشد. بنابراین با توجه به خصوصیت شخصیتی بختیار و جامعه ایران در دو دهه مذکور، شاه اجازه ورود بختیار به الیگارشی حاکمه را می‌دهد.

۱. فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱. ج اول. ص ۴۱۵.

این روند تا بدانجا ادامه می‌یابد که بختیار در پی بدست آوردن قدرت بیش از آنچه که شاه برایش در نظر گرفته بود، برنیامده بود. به محض اینکه بختیار خواهان بدست آوری قدرت بیشتر بدون اجازه شاه گردید، توسط فرمانروای مطلق ایران، به ظاهر بازنشسته و در واقع عزل گردید.^۱

عزل بختیار هنگامی انجام گرفت (۱۳۴۰) که دیگر مهرهٔ مطلوب آمریکائیان، امینی در پست نخست وزیری اجرای وظیفه می‌کرد. تیمسار برکنار شده، صلاح در این دید که با استفاده از تحریکات و ایجاد شورشهایی در میان دانشجویان به نوعی خود را به شاه بقبولاند.^۲ اشتباه فاحشی که بختیار در خصوص امینی نموده بود منجر به تبعید وی از ایران به اروپا «سال ۱۳۴۰ شمسی» گردید.

بختیار مدتی بعد، از اروپا به عراق مراجعت کرد و این کشور را پایگاهی برای براندازی نظام شاهنشاهی قرارداد. ورود بختیار به عراق «۱۳۴۸» مصادف با اوج جنگ سرد «عراق انقلابی» و «ایران شاهنشاهی» قلمداد می‌شد.

بختیار و چگونگی براندازی نظام شاهنشاهی ایران

با نگاهی به اسناد مربوط به فعالیتهای بختیار در عراق می‌توان پیش‌بینی نمود که این سپهبد می‌توانسته برای شاه خطر آفرین باشد. در یک ملاحظه می‌توان راههای تلاش وی را برای سرنگونی رژیم شاه به این شرح خلاصه کرد:

۱- سعی در جذب و به همکاری گرفتن ناراضیان داخلی و خارجی رژیم.

اولین قدمی که بختیار جهت براندازی رژیم شاه انجام می‌داد، تلاش در جهت جذب و متمرکز کردن نخبگان ناراضی در خارج از هسته مرکزی سازمان‌های گوناگونی حاکمه تهران بود. این تلاش مداوم و بی‌وقفه وی بعضاً توأم با شکست و گاهی هم با موفقیت، روبه‌رو می‌شده است. به عنوان مثال می‌توان از سعی بختیار جهت جذب

۱. فردوست معتقد است که بختیار به دنبال پست نخست‌وزیری بوده است که در این راه به روزنامه‌های درجه ۲ پول می‌داده است که عکس بزرگ وی را چاپ کنند و زیر آن بنویسند:

نخست‌وزیر آینده ایران. ر-ک به: خاطرات فردوست - ج ۱ - ص ۴۱۹.

۲. بختیار تصور می‌کرد با ایجاد اغتشاش و آشوب در دانشگاهها می‌تواند بی‌کفایتی امینی «نخست‌وزیر وقت» و کفایت خود را ثابت کند. وی که از اوضاع زمانه ناآگاه بود نمی‌دانست که عاقد قرارداد کنسرسیوم بشدت مورد حمایت آمریکائیان می‌باشد. تحلیل ناقص وی از اوضاع زمانه این اجازه را به شاه داد که بتواند وی را که یکی از مهره‌های مطلوب آمریکائیان بود تبعید کند و آمریکائیان نیز به نفع امینی از حمایت وی دست برداشتند.

داریوش فروهر نام برد که با شکست مواجه گردید. وی در نامه ای به فروهر می نویسد:

«داریوش عزیزم ... یقیناً آگاه هستید که عراق می باشم و برای آزادی ملت ایران از زیر بار استبداد و استعمار مبارزه می کنم و برای شورش همگانی ملت ایران با مسلح ساختن مردم تلاش می کنم. از آنجائی که شما را خوب می شناسم که مردی شجاع و میهن پرست هستید و همیشه در مبارزات ملی و میهنی پیشگام و کوشا بوده اید، دعوت می کنم با سازمان و یاران خودتان به جنبش آزادیبخش ملت ایران بپیوندید و شخص شما در انجمن رهبری شرکت کنید ... یقیناً خود شما هم به این نکته پی بردید که دیگر حرف و سخن و شعار و تراکت کارشان را کرده اند و باید اکنون کارهای گرمتر کرد. در این راه است که ما گام برمی داریم.^۱»

بختیار تصور می کرد که هر مخالف دولت، می تواند موافق وی تلقی گردد و وی هرگز به تناقض سخنان خود توجه نمی کرد. او در حالی می خواست یکی از رهبران ملیون ایران را به خود جلب کند، که برای خشنودی مقامات عراقی به خلیج فارس، لفظ جعلی خلیج عربی را! نام داده بود!

از دیگر اقداماتی که بختیار در جهت متمرکز کردن و جهت دادن ناراضیان انجام داد، تحریک و حمایت از اکراد ایران علیه حکومت تهران بود. در این رابطه فرخ قالیچه چیان، یکی از منابع ساواک، در گزارشی می نویسد:

«پس از حل اختلاف بین دولت عراق و شورشیان آن کشور «پس از عید نوروز» ده نفر از اکراد ایرانی به ملاقات تیمور بختیار آمده اند و ضمن مذاکره با وی گفته اند می توانند حدود یک هزار نفر را مسلح کنند و تقاضای یک هزار قبضه اسلحه را داشتند. بختیار با پیشنهاد آنها موافقت و اظهار داشته به موقع اسلحه لازم را به آنها تحویل خواهد داد.^۲»

سپهد بازنشسته در طول مدتی که در عراق علیه شاه ایران فعالیت می کرد، در صدد بود که هر مخالفی را به طریقی به سمت خود سوق دهد. در این خصوص اصلاحات ارضی که در اوایل دهه ۴۰ انجام گرفت، می توانست فرصت را برای وی مهیا کند.

۱. نامه بختیار به داریوش فروهر در مورخه ۱۳۴۹/۱/۲۳. بایگانی شده در پرونده بختیار.

۲. بولتن ساواک به نام: مراجعت یکی دیگر از افراد وابسته به جنبش ملت ایران به ایران. ۱۳۴۹/۱/۳۰. ص ۳ و ۲.

گروهی از مالکین که از اصلاحات رنجیده خاطر گردیده بودند، کانون خوبی از نظر بختیار برای سازماندهی علیه شاه تلقی می شدند. «ثابتی» - مدیر کل سوم ساواک - در مصاحبه ای پس از قتل تیمور بختیار در ارتباط با جذب مالکین توسط بختیار به خبرنگاران چنین توضیح می داد:

«تیمور بختیار در سال ۱۳۴۸ ... به سراغ فتودالها و مالکین سابق و کسانی که انقلاب عمیق اجتماعی ایران قدرت و سروری ناحق آنها را کسب کرده بود، رفت و افرادی را برای تماس با آنها به کمک دولت عراق به داخل کشور فرستاد و به آنها وعده داد چنانچه با وی همکاری کنند نه تنها املاک و قدرت سابق خود را باز خواهند یافت، از وجوه و امکاناتی که دولت عراق در اختیار آنها قرار خواهد داد، نیز بهره مند می گردند.»^۱

بختیار را می توان نمود کاملی از اندیشه ماکیاولی تصور نمود. بنابراین با این طرز تفکر با همه وسایل علیه شاه اقدام می کرد. او که زمانی به جلاک کمونیستها مشهور بود، سعی در جذب توده ایها برای رسیدن به اهداف خود می کرد:

«... سازمان انقلابی حزب منحل توده که طرفدار تزه‌های چین کمونیست می باشد برای آنکه از قافله عقب نماند ... به سرپرستی کوروش لاشایی به عراق آمدند و ... با تیمور بختیار ارتباط گرفته شروع به همکاری کردند.»^۲

علاوه بر سازمان انقلابی حزب توده، کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایران نیز با تیمور بختیار همکاری می نمودند و بختیار آنها را نیز در جرگه همکاران خود قرار داد:

«در سال گذشته [۱۳۴۸] حسن ماسالی و خسرو کلانتری بنا به دعوت دولت عراق وارد بغداد شدند ... و آنگاه ... به ملاقات تیمور بختیار شتافتند ...»^۳

از دیگر شخصیتها و مقاماتی که بختیار سعی در جذب آنان جهت منسجم تر نمودن جبهه خود علیه شاه کرده بود، می توان از بازنشستگان ارتش، و یا حتی روحانیون مخالف شاه نام برد! ساواک در گزارش خود به نقل از یکی از منابع خود «فتح الله

۱. اطلاعات، ۲/۱۰/۱۳۴۹. شماره ۱۳۳۳۷.

۲. منبع پیشین.

۳. منبع پیشین.

پورسرتیپ» می نویسد :

«تیمور بختیار از فتح الله پورسرتیپ خواسته است با سپهد بازنشسته نصراللهی که از وضع ایران ناراضی است تماس گرفته و او را دعوت به همکاری کند ... بختیار از پورسرتیپ درباره سرهنگ بازنشسته مقدادی که با وی مکاتبه نموده سؤال کرده و پورسرتیپ پاسخ داده مقدادی فرد مورد اعتمادی نیست ...

بختیار به پورسرتیپ توصیه نموده ضرری ندارد در نجف با [آیت الله روح الله] خمینی^۱ نیز ملاقاتی به عمل آورد.^۲

فعالیت‌هایی که بختیار جهت جذب ناراضیان شاه و متمرکز کردن آنان در جهت از بین بردن او انجام می داد، به خوبی می تواند عزم بختیار را در بدست آوردن قدرت نشان دهد. جالب توجه این بود که ساواک نیز تقریباً با شبکه وسیع منابع که در پیرامون بختیار گسترانیده بود، به خوبی با همه اقدامات بختیار آشنا می شد. بنابراین در مقام واکنش، این دستگاه اطلاعاتی با تماس گرفتن با ناراضیان نظام و با لطایف الحیلی این افراد را غالباً یا خنثی و یا جزء منابع خود می گردانید و بختیار را بیش از پیش در گمراهی قرار می داد!

۲- سعی در از بین بردن نظم عمومی و ایجاد اغتشاش در ایران

بختیار در نظر داشت که با ایجاد تشکیلاتی به نام جنبش آزادیبخش ملت، بتواند بر هیأت حاکمه فائق آید. وی این جنبش را سه مرحله تصور می کرد که اولین آن ترور و تخریب در درون ایران بود.^۳

بختیار چه اهدافی را از ترور و تخریب در ایران دنبال می کرد؟

بهترین جوابی که می توان به این سؤال داد، در نامه بختیار به شهریار «یکی از منابع نفوذی ساواک در دستگاه بختیار» آمده است :

«اگر شخصیتی ترور شود این مردم مرعوب که می بینند حتی جرأت آمدن به عراق

۱. تیمور بختیار در عراق با حمایت مقامات بعثی عراق کوشش فراوانی به عمل آورد تا خود را به امام نزدیک کند ولی امام با آگاهی کاملی که نسبت به طینت پلید تیمور بختیار داشتند، به هیچ وجه او را به منزل خود راه نمی دادند و حتی یک بار هم فرموده بودند «اگر بنا شود روزی بختیار در ایران زمام امور را در دست بگیرد وظیفه همه مسلمین است که با او مبارزه کنند و از رسیدن او به قدرت جلوگیری کنند...» (به نقل از: سیدحمید روحانی. نهضت امام خمینی. بی جا: واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۴، ج دوم، ص ۲۳۰-۲۲۰).

۲. بولتن ساواک به نام: مسافرت پورسرتیپ به عراق و ملاقات با بختیار. ۱۳۴۹/۲/۵ ص ۱۱.

۳. منبع پیشین، همان صفحه.

را ندارند و تا خرمشهر می آیند و برمی گردند خودشان هم جرأت و جسارت یافته و شروع به کار خواهند کرد. خواهش دارم دو سه برنامه پشت سر هم در نظر بگیرید که اگر بشود با هم و یا پشت سر هم اجرا بکنید تا صدادار و چشمگیر باشد و این مردم خواب آلود و مرعوب را بیدار بکند ...^۱»

بختیار به این نتیجه رسیده بود که می باید در ابتدا مبنای نظم عمومی رژیم حاکمه را از طریق ابزار فیزیکی برهم زد و سپس شورشی فراگیر ایجاد کرده و دست آخر با عملیات نظامی شاه را برانداخت.

وی معتقد بود که می باید ابتدا با ترور شخصیت‌های تراز اول پایه های نظام را از بین برد و سپس اصل نظام را. بختیار در گفتگویی با شهریار به این مهم «ترور اشخاص» اشاره می کند. وی نامها و اسامی ای را که می باید ترور می شدند چنین عنوان می کند:

- ۱- شاهنشاه آریامهر ۲- سپهبد نصیری ۳- اردشیر زاهدی ۴- نخست وزیر^۲ ۵- اسدالله علم ۶- مهندس شریف امامی ۷- ارتشبد جم ۸- فردوست ۹- اویسی ۱۰- فرسیو ۱۱- مقدم ۱۲- مهندس ریاضی ۱۳- هوشنگ انصاری ۱۴- دکتر اقبال ۱۵- رئیس حزب مردم و ملیون.^۴

بختیار به عوامل خود در جهت ایجاد هر چه بیشتر ترور و تخریب، شیوه ای خاص را آموزش داده بود. در یکی از طرحهایش معتقد بود که برای به انجام رسیدن بهتر ترور اشخاص مملکتی، می باید اقدام به تشکیل جوخه های تخصصی کرد. در این باره به شهریار می نویسد:

۱. بولتن ساواک به نام: فعالیتهای تیمور بختیار از طریق جنبش آزادیبخش ملت ایران. ۱۳۴۹/۲/۳. ص ۵.
۲. نخست وزیر وقت امیرعباس هویدا بوده است.
۳. پس از قتل بختیار روزنامه اطلاعات با فرسیو دادستان ارتش مصاحبه کرد. «اطلاعات» ۵ دی ماه ۱۳۴۹- شماره ۱۳۳۷۹ در این مصاحبه وی به خبرنگار اطلاعات گفت: «من علیه بختیار اعدانامه صادر کرده ام و در کیفرخواست خود ثابت کرده ام که او عنصری جانی و خائن به مملکت بوده است. [در مورد اینکه قرار بوده توسط عوامل بختیار من ترور شوم] من به طور رسمی در جریان امر قرار نگرفتم اما به طور مبهم من به اطلاع داده شده بود که مواظب خود باشم ... من سربازم و همیشه در خدمت به مملکت آماده جانبازیم ... با وجود تذکر مع هذا هر روز به پیاده روی در تپه های قطریه ادامه دادم. فرسیو هیچ گاه تصور نمی کرد که چنین اغراق و بلوف زنی، می تواند به قیمت جاننش تمام شود. چون ۳ ماه بعد سازمان مجاهدین خلق وی را، ترور کرد.
۴. بولتن ساواک به نام: فعالیتهای تیمور بختیار در عراق. ۱۳۴۸/۷/۱۶. ص ۸.

«در مورد طرز کار جوخه شناسایی جهت ترور شخصیتها بهتر است به این ترتیب عمل کنند. اشخاص مورد نظر را زیر دید قرار دهند و هر چند روز یکی از آنها را دنبال کنند، به نحوی که از وضع همه آگاه باشند و اگر فرصتهای مناسب و مساعدی پیش آید فوری اطلاع بدهند تا جوخه ضربت عمل ترور را انجام دهد. بدین ترتیب از دنبال کردن دائمی یک نفر که جلب نظر خواهد کرد پرهیز شده و از موقعیت های مناسب که ممکن است پیش بیاید استفاده خواهد شد ...^۱»

بختیار تا بدانجا به دنبال خرابکاری و ترور بود که حتی انجام این امور را در خارج از کشور نیز توصیه می کرد. قالیچه چیان در این خصوص به ساواک می نویسد:

«تیمور بختیار گفته است علاوه بر خرابکاری در ایران، ما باید به فکر خرابکاری در بعضی از سفارتخانه های ایران در خارج نیز باشیم و خرابکاری در سفارت ایران در پاریس در مرحله یکم قرار دارد.^۲»

۳- تلاش در احیاء تعصبات قومی ایرانیان

ایران از جمله کشورهای کثیر القومی است که اقوام مختلف در آن زندگی می کنند. آذریها، کردها، بلوچها و ... صدها سال است که به شیوه ای مسالمت آمیز در کنار یکدیگر با شادبها و غمهای هم عجین شده و تاریخ و کشور واحدی را تشکیل داده اند. از مهمترین اشتراکات میان این اقوام می توان به ایرانی بودن و مسلمان بودنشان اشاره نمود و مهمترین افتراق آنان، اختلافات مذهبی، و زبانی و منطقه ای آنان می باشد. در مقایسه با کشورهای همجوار ایران - مانند ترکیه و یا عراق - قومیت های مختلف این کشور همگرایی بسیار زیادی با حکومت مرکزی دارند. در واقع می توان گفت که معضلات عمده ای که کشورهای همجوار ایران در خصوص برخورد با قومیتها دارند به هیچ وجه گریبانگیر ایران نبوده و نمی باشد.

بختیار با توجه به هدفی که داشت «براندازی از هر راه ممکن» سعی در ایجاد بلوار و آشوب و ازدیاد شکافهای قومی - محلی در میان اقوام ایرانی و حکومت مرکزی، برای رسیدن به امیال و اهداف خود کرد. وی سعی در زنده کردن روح قوم پرستی افراد و

۱. بولتن ساواک به نام: فعالیتهای تیمور بختیار از طریق جنبش به اصطلاح آزادیبخش ملت ایران. ۱۳۴۹/۲/۶. ص ۲ و ۳.

۲. بولتن ساواک به نام: مراجعت یکی از افراد وابسته به جنبش آزادیبخش ملت ایران به ایران جهت خرابکاری. ۱۳۴۹/۱/۳۰. ص ۴.

شخصیتهای قومی داشت که سالها وجود این روح در میان آنان از بین رفته تلقی می شد. به عنوان مثال می توان به چگونگی تحریک اقوام و سران آنان توسط بختیار، از زبان یکی از منابع ساواک به نام بهرام اشاره کرد. بهرام می نویسد:

«... تیمسار برای شیخهای اطراف خوزستان نامه هایی می نوشت که من ماشین می کردم. اسم نمی آورد فقط می گفت شیخ عزیز... برای آنها طوری نامه می نوشت که احساساتشان را بیدار کند و به آنها وعده های سرخرمن می داد. مثلاً می گفت چرا باید آدمی مثل شما در چنین شرایطی زندگی کنید حال آنکه لیاقت هر گونه پستی را دارید بیائید و عشایرها و یالرها را آزاد کنیم، بیائید با برادران شهری خودمان دست به دست کرده زنجیر اسارت را پاره کنیم.»^۱

بختیار نقطه شروع مبارزه نظامی علیه شاه را مناطق قوم نشین ایران تصور می کرده است. تصور او از اقوام، به سابقه این قوما و برخورد و تعارض آنان با حکومتهای مرکزی برمی گشت. او می پنداشت که مناطق قومی، چون در گذشته معضلاتی برای همه حکومتهای مرکزی به ارمغان آورده بودند، بنابراین با تحریک آنان می توان دوباره مشکلاتی را برای نظام محمد رضا تا سرنگونی کامل آن فراهم آورد. در واقع بختیار می پنداشت که موضوع قومی در ایران آتشی زیر خاکستر است که با اندک تحریکی در خواهد شد. بنابراین در ابتدای کار خود در ارتباط با اقوام شروع برخورد با آنان را تحیب قلوب آنان از طریق پیامها و سخنرانی های خود گذارد:

«... من همان طور که در پیام نیز یادآور شدم نظرم این است که باید ملتها را محترم شمرد مثلاً آذربایجان غربی و شرقی نباید درست کرد، باید آذربایجان یکی باشد و از خود آذربایجانی ها برای آذربایجان، استاندار و شهردار... گذاشت.»^۲

در پیام دیگری که بختیار از عراق خطاب به مردم ایران می فرستد، به سقوط شاه و جایگاه قومیتها پس از این سقوط، می پردازد:

«تقسیمات کشور باید برپایه قومی و واگذاری امور داخلی به استانها باشد»^۳

بختیار بدین باور بود که مرکزیت جنبش فراگیر خود را در چندین منطقه قوم نشینی

۱. گزارش خطی بهرام به ساواک. موجود در پرونده بختیار. ص ۹.
 ۲. بولتن ساواک به نام: فعالیتهای تیمور بختیار در عراق. ۱۳۴۸/۹/۱. ص ۲.
 ۳. بولتن ساواک به نام: فعالیتهای تیمور بختیار در عراق. ۱۳۴۸/۸/۲۸. ص ۷ و ۳.

که موقعیت جغرافیایی آنان اقتضای فعالیتهای نظامی را می‌کرد، قرار دهد. وی در توجیه عمل خود به شهرداری نماینده خود در تهران و عامل ساواک می‌نویسد:

«... برای آنکه در مبارزه‌ای که در پیش گرفته ایم پیروز شویم باید برنامه‌های آنها و مخصوصاً شروع عملیات چریکی علیه دولت از هر جهت حساب شده باشد و من به این نتیجه رسیده‌ام که شروع عملیات در یک منطقه واحد مثلاً چهارمحال و بختیاری نتیجه‌ای نخواهد داد و فوراً سرکوب خواهد شد. لذا در نظر دارم مقدمات عملیات وسیعی را که لااقل از چهار یا پنج منطقه شروع می‌شود فراهم نمایم. این مناطق عبارتند از کردستان - کرمانشاه - لرستان و بختیاری - گیلان و خوزستان.^۱»

موضوع‌گیریهای بختیار در ارتباط با مسائل قومی و ملی یک رویه و همگون نبوده و بعضاً جنبه‌های کاملاً متناقضی داشت و این امر موضوعی جز آن نبود که بختیار سعی در رسیدن به هدف خود از هر طریقی را داشت. به عنوان نمونه می‌توان به سخنان وی در خصوص ایجاد ایرانی بزرگ و تفکیک قسمتی از پیکره ایران اشاره کرد. تیمسار در ملاقاتی که با شهرداری در کشور عراق بعمل آورده، وحدت کلیه واحدهای جدا شده از ایران بزرگ را مطرح می‌کند:

«... تیمور بختیار گفته است وی در راه آزاد کردن ملت ایران تلاش می‌کند و در نظر دارد پس از برچیده شدن رژیم سلطنت در ایران فدراسیون بزرگی مرکب از کشورهای آریایی از جمله افغانستان و پاکستان تشکیل دهد.^۲»

بختیار هر چند که به ظاهر به ایران بزرگ دوران سلاطین قدرتمند ایرانی، می‌اندیشید، ولی خلیج فارس را خلیج عربی می‌خواند و آن را در قلمرو و استحقاق اعرابی می‌دانست که تاریخ تشکیل حکومت آنان به چندین دهه قبل پیشتر نمی‌رسید. در این رابطه فالینچه چیان طی گزارشی به ساواک می‌نویسد:

«... در محل کار تیمور بختیار [در عراق] نقشه‌ای وجود دارد که در آن نام خلیج فارس بنام جعلی «خلیج عربی» نوشته شده است. موقعی که بختیار اظهار نمود به داریوش فروهر نوشته‌ام یا خودش به بغداد بیاید یا از طرف خود نماینده بفرستد به تیمور بختیار گفتم فروهر چنانچه به بغداد بیاید با مشاهده این نقشه که در آن خلیج فارس،

۱. بولتن ساواک به نام: فعالیتهای تیمور بختیار از طریق جنبش آزادیبخش ملت ایران. ۴۹/۲/۲۴. ص ۵.
 ۲. بولتن ساواک به نام: فعالیتهای تیمور بختیار در عراق. ۱۳۴۸/۷/۱۶. ص ۶.

خلیج عربی خوانده شده قطعاً بلافاصله به ایران باز خواهد گشت. بختیار پاسخ داده است از خلیج هر که بیشتر استفاده می کند، باید بنام آن باشد.^۱ علت برخورد دوگانه بختیار با ایران و استفاده از خلیج عربی احتمالاً چراغ سبزی بوده. که بختیار به میزبان خود نشان می داده است، و سخنان پرویز ثابتی نشانگر این واقعیت است:

«... وقتی تیمور بختیار وارد عراق گردید... در مذاکراتی که بعمل آمد، حکام عراق نقطه نظرها و سیاستهای خود را در قبال ایران برای بختیار تشریح کردند و خاطر نشان ساختند که دولت عراق در مسئله شط العرب خود را محق می داند و معتقد است دولت ایران حقوقی در شط العرب ندارد و قرارداد ۱۹۴۷ باید کماکان به قوت خود باقی بماند.

در مورد خوزستان دولت عراق معتقد است که این استان قسمتی از خاک اعراب بشمار می رود و باید از خاک ایران تجزیه گردد.^۲

۴- بختیار و تمهیداتی جهت عملیات نظامی در ایران

از دیگر اقداماتی که بختیار در جهت براندازی رژیم شاه ایران تدارک دیده بود، اجرای عملیات نظامی در داخل ایران بوده است. هر چند که در نهایت این اقدام بختیار مانند بسیاری از اقدامات دیگرش عقیم ماند و عملی نگردید، ولی بختیار در یاری گرفتن از این راه جهت از بین بردن رژیم شاه بشدت مصمم بود. وی در صدد برآمده بود که با استفاده از نظامیان و ارتشیان ناراضی در درون نظام که توسط اقوام ناراضی حمایت و کمک می شدند، و با پشتیبانی عراق، شاه را از بین برده و حکومت مطلوب خود را رسمیت دهد. پورسرتیپ از منابع ساواک در ملاقاتی که با بختیار داشته است، گفتگوهای خود را به ساواک چنین گزارش می دهد:

«[بختیار گفته است]... در مناطق خوزستان - استانهای کردنشین و منطقه بختیاری عواملی در اختیار دارد و با همکاری جلال طالبانی^۳ در نظر دارد در روز معینی در چند

۱. بولتن ساواک به نام: فعالیتهای تیمور بختیار در عراق. ۱۳۴۹/۱/۳۰. ص ۲۳.

۲. اطلاعات. ۱۳۴۹/۱۰/۲. شماره ۱۳۳۳۷.

۳. جلال طالبانی در حال حاضر یکی از دو مرد قدرتمند در شمال عراق می باشد. وی رهبری حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق [به کیه تی نیشینیان کردستان] را بر عهده دارد. در زمان مورد بحث طالبانی با حکومت مرکزی عراق کنار آمده بود. برخلاف وی ملامصطفی بازرانی با حکومت تهران حشر و نشر داشته و اهرم فشاری توسط ایران علیه بغداد بود.

نقطه ایران علیه وضع موجود قیام نمایند و با مذاکراتی که با مقامات عراقی صورت گرفته قرار شده به مجرد اینکه یکی از شهرهای قابل توجه ایران بدست ما افتاد کشورهای عربی ما را به رسمیت بشناسند و این امر کمکهای عراق را بما از لحاظ بین المللی تسهیل خواهد کرد.^۱

طبق اسناد ساواک که برآمده از ادعای منابع اطراف بختیار می باشد، وی تا بدانجا در اقدامات عملیاتی خود مصرّ بود که بدنبال تشکیل و تجهیز نیروی هوایی نیز برآمده بوده است. صادقیان از منابع ساواک پس از قتل بختیار، در هامبورگ به مسئول دفتر ساواک در این شهر در رابطه با موضوع مذکور می گوید:

«بنا به پیشنهاد عظیمی [یکی از نزدیکان بختیار که ساواک نتوانسته بود وی را منبع کند] تقوی [تیمور بختیار] می خواست به من [صادقیان] ماموریت دهد که با FON- RONSEN خلبان سوئدی که در بیازا می جنگیده و تاکنون ۵ میگ جنگی را سرنگون کرده بود تماس بگیرم و او را به بغداد دعوت نمایم تا در روز موعود وارد عملیات آینده تیم بمباران را پشتیبانی و تقویت نماید و عظیمی هم در صدد بود با کمپانی هلیکوپترسازی کبرا تماس بگیرد و از این نوع هلیکوپتر هم خریداری کنند... تاکنون عظیمی در حدود ۱۰۰ هزار دلار برای تقوی خرج کرده است.^۲»

بختیار از طریق عوامل خود «که غالباً منابع ساواک نیز بودند» بارها از مرزهای جنوب غربی اسلحه و مهمات برای روز عملیات وارد نموده بود که ساواک با اقدامات اطلاعاتی - عملیاتی خود جملگی سلاحها را کشف و ضبط می نمود. او که خود روزی بنیانگذار و رئیس سازمان مخوف و دهشت آور ساواک بود هرگز تصور نمی کرد شگردهایی که خود در زمان ریاستش بکار می برد حال هم سنخانش بدان شیوه ها دست یازند و وی را در تارهای اطلاعاتی خود محصور نمایند!

۵- انقلاب در ایران و ترسیم نظام مطلوب

بختیار در پیامهایی که به عوامل خود در عراق و یا ایران می فرستاد ضرورت ایجاد انقلاب در ایران را گوشزد می کرد. وی معتقد بود که هیچ گونه اصلاحی در رژیم حاکمه

۱. بولتن ساواک به نام: مسافرت پور سرتیب به عراق و ملاقات با بختیار. ۱۳۴۹/۲/۵.

ص ۴.

۲. گزارش خطی صادقیان به ساواک پس از قتل بختیار. ص ۴.

ایران با وجود شاه و اطرافیانش نمی تواند بوجود آید. بنابراین وی لزوم بوجود آوردن انقلاب در ایران را متذکر می شد:

«باید انقلاب کرد. انقلاب مسلحانه. ما نیرومندیم و باید نیروی خود را بکار ببریم. همان اسلحه ای که او [شاه] دارد ما می توانیم بهترش را بدست آوریم. ... من تصمیم قطعی دارم که کار کشور را یکسره کنم و خاک میهن را از وجود مهترزادگان و چاکر زادگان بزدایم.^۱»

بختیار بدون در نظر گرفتن اختلافات گروههایی که علیه شاه مبارزه می کردند و همچنین اختلافات عمده ای که در میان مردم «دهه ۴۰» وجود داشت، تصور می کرد می تواند همه را زیر یک پرچم و تحت یک اقدام، جمع نماید. به همین منظور در پیامی که به مناسبت سالگرد جنبش مشروطیت صادر کرد، به استراتژی انقلاب مورد ادعای خود اشاره می کند:

«این انقلاب یک قیام ملی، میهنی است و همه افراد کشور از خورد تا کلان و از پیر تا جوان از دهقان تا کارگر از دانشیان تا افسر از بازرگان تا پبله و هر همگی با هر گونه تمایلات سیاسی که داشته باشند، وظیفه دار شرکت در این انقلاب هستند ...

... در آن روز که شیپور انقلاب نواخته گردد همگی هر نوع سلاحی را که می توانند، سرد یا گرم در دست گرفته و به سوی مراکزی که ستاد فرماندهی شورش دستور خواهد داد رهسپار شوند.^۲»

یکی از خط مشی های تیمور در جهت بوجود آوردن زمینه های انقلاب، سست کردن مشروعیات نظام و از بین بردن اقتدار آن در نزد ایرانیان بوده است. تبلیغات وی که در پیامهایش از طرف رادیو عراق فرستاده می شد، به این مهم مذکور بسیار اشاره می کرد. در این میان برای «از بین بردن مشروعیات محمد رضا شاه» بختیار که خود روزی از سردمداران دستگاه حاکم پهلوی بود و ریاست سازمان مخوف ساواک را بر عهده داشت، سعی می کرد که فساد رژیم را مستمسک کرده و به افشاگری این نظام پردازد:

«هم میهنان عزیز ... متاسفانه دستگاه فاسد حاکمه گوشهای خود را بسته و جیبهای

۱. بولتن ساواک به نام: برقراری ارتباط با پورسرتیب. ۱۳۴۹/۱/۳۰. ص ۵.
۲. منبع پیشین.

خود را گشوده است. لذا ما چنین اندیشیده‌ایم که آهنگی رساتر باید تا گوشه شنوایابد جنبشی مردانه باید تا به نیم قرن حکومت خائن و فاسد پهلوی پایان دهد... ما سخت مشغول فعالیت هستیم تا به یاری خداوند بزرگ و همت مردانه شما هم میهنان ارجمند ریشه این بیدادگری و بیگانه پرستی را از بیخ و بن براندازیم.^۱

بختیار تا بدانجا پیش رفته بود که ترسیمی از نظام بعد از انقلابش را نیز برای مردم ایران به تصویر کشیده بود. این غمخوار ملت! گواينکه پس از برکناری و تبعیدش به معایب نظام پی برده باشد، سعی در بوجود آوردن نظامی مطلوب می نماید. نظام مطلوبی را که او ارائه می دهد دارای خصایص زیر می باشند:

الف: پایان دادن به رویه فرمانروایی خودکامی و برگرداندن استبداد به حکومت قانون.

ب: اقدام فوری برای تحقق بخشیدن به آرمانهای ملی و تعیین برنامه برای رسیدن به هدفهای آن که به طور خلاصه عبارتند از:

- ۱- حکومت مردم بر مردم.
- ۲- اتخاذ سیاست مستقل ملی.
- ۳- تقسیمات کشور بر پایه قومی و واگذاری امور داخلی به استانها.
- ۴- تامین آزادیهای فردی - اجتماعی و فرهنگی.
- ۵- آزادبودن همه احزاب سیاسی.
- پ - تشکیل دادگاه انقلاب ملی برای کیفر متجاوزین به حقوق ملت و مأمورین استبداد محمد رضا شاه.
- ت - الغاء کابیتولاسیون.
- ث - تجدیدنظر در قوانین کیفر همگانی و آئین دادرسی و کیفر ارتش.
- ج - اقدام تند و سخت برای برگرداندن پول هایی که محمد رضا شاه از ملت ایران ربوده و به خارج فرستاده.
- چ - آزاد کردن همه زندانیان سیاسی.
- ح - تشکیل هیاتهای داورى برای رسیدگی سریع به دادخواهی ستمدیدگان حکومت

۱. اعلامیه جنبش آزادیبخش ملت ایران. مهر ۱۳۴۸.

محمد رضا شاه .

خ - اقدام سریع برای تشکیل مجلس مؤسسان و تدوین قانون اساسی نو . ۱

ساواک و حذف بختیار

با اقدامات و تبلیغاتی که بختیار در جهت براندازی حکومت شاه انجام داده بود، بهانه خوبی بدست مقامات امنیتی رژیم داد تا نقشه ترور او را طراحی نمایند. اهم ادله ای که ساواک از بختیار ارائه داده بود به شرح زیر است:

۱- بختیار در صدد بوجو آوردن بلوا و آشوب در ایران می باشد.

۲- بختیار در پی تجزیه ایران برآمده است.

۳- تیمور سعی دارد همه (یا اکثر) گروههای مخالف رژیم شاه را متمرکز کرده و علیه آن بسیج کند.

۴- وجود تیمور بختیار در عراق اهرم فشاری علیه ایران می باشد که می تواند اقدامات ملامصطفی بارزانی را در جهت فشار ایران علیه عراق خنثی کند.

۵- این عنصر ناراضی «بختیار» سعی در ازبین بردن مشروعیت رژیم پهلوی اذهان عمومی مردم ایران دارد.

۶- تیمسار سعی در تحریک اقوام ملی ایران نموده است که این امر به نوبه خود می تواند سرویس امنیت داخلی را خدشه دار کند.

سرانجام در مرداد ۱۳۴۹ تیمور بختیار توسط همراهان خود که از منابع ساواک بودند، هنگامی که برای شکار به مرزهای ایران نزدیک شده بودند، ترور گردید.^۲

۱. بختیار خود می دانست که به دلیل شرکت در محکم ساختن پایه های استبداد شاه و دست داشتن در خون مجاهدان راه آزادی خصوصاً فداییان اسلام، از هیچ گونه پایگاه مردمی برخوردار نیست و این گزاره گویی هاجز رفتاری مالیخولیایی نیست، او می دانسته نه توانایی رهبری یک انقلاب ملی را داشته نه قدرتهای خارج از مرز به او اجازه چنین جسارتی را می داده اند. نه قادر است نیروی هوایی ایجاد کند نه یک جبهه آزادیبخش را بوجود بیاورد، بلوف های او به سخنان احمقانه بیشتر شباهت دارد تا به واقعیت. ساواک نیز این را به خوبی می دانسته است اما برای بزرگتر کردن عمل ترور وی این گزارشها را جمع آوری می کرده تا به مقامهای مافوق خود گرانتر بفروش برساند.

۲. بولتن ساواک به نام: فعالیتهای تیمور بختیار در عراق ۴۸/۸/۲۸، ص ۷ و ۴.